شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ مسؤولیتهای آینده

داوری، رضا

احمدی، احمد

جنتی، احمد

گلشنی، مهدی

فاضل، ایرج

حضرت آیت الله خامنه‏ای آذر ماه گذشته در سالروز تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی‏ ترکیب تازه شورای عالی انقلاب را به منظور ایجاد تحرک،نوآوری و تدبیر برتر در سیاستهای فرهنگی کشور تعیین فرمودند.

رهبر انقلاب نخستین وظیفهء شورای عالی را در دور جدید،تدوین شرح وظایف و ترسیم‏ خطوط کلی فرهنگی کشور ذکر کردند و در دیدار با اعضای این شورا بر ایجاد ستاد مرکزی‏ مدیریت فرهنگی برای مقابله برنامه‏ریزی شده‏ با هجوم دشمنان اسلام و هدایت دستگاههای‏ مسؤول کشور در مسایل فرهنگی تصریح‏ فرمودند.

«کیهان فرهنگی»به منظور آشنایی‏ خوانندگان با اقدامات این نهاد،مبادرت به‏ نظرسنجی از همهء اعضای شورای انقلاب‏ فرهنگی کرد.آنچه می‏خوانید،پاسخ عده‏ای از اعضای این شوراست که تا زمان چاپ به‏ دستمان رسیده است.

چه تحولات و پدیده‏هایی در عرصهء فرهنگ موجب شد تغییراتی در ترکیب اعضای‏ شورای عالی انقلاب فرهنگی به وجود آید؟

دکتر داوری:مقام معظم رهبری مصلحت دانستند که در ترکیب اعضای شورای عالی تغییراتی پدید آید.

شورای عالی از ابتدا تا کنون بیشتر به مسائل‏ دانشگاهها و آموزش عالی پرداخته است،شاید نظر معظم‏له این بوده که شورا به مسائل فرهنگ عمومی و رسانه‏ها و فیلم و سینما و کتاب و امثال این امور بیشتر توجه کند.

دکتر احمدی:مقام معظم رهبری همواره توجه و عنایتی ویژه به امور فرهنگی دارند.ما نیز معتقدیم‏ وظیفه شورای عالی انقلاب فرهنگی رسیدن به مسائل‏ خاص فرهنگی است که در بستر اجتماع در جریانند و از طریق قانون قابل رسیدگی نیستند.شورای عالی‏ انقلاب فرهنگی باید افزون بر کارهای اجرایی،بر تدوین فرهنگ عمومی و تغییر و تحول نظام آموزش و پرورش و همچنین آموزش عالی نظارت داشته باشد.

نظر مقام معظم رهبری نیز این بوده است که این شورا در اولویت نخست به امور فرهنگی بپردازد و کارهای‏ اجرایی دیگر را در اولویتهای بعد قرار دهد.

تصور می‏شود توسعه فرهنگی‏ همگام با توسعه اقتصادی مورد توجه قرار نگرفته.

به نظر شما تعامل میان توسعه فرهنگی و توسعه‏ اقتصادی چگونه است؟

آیت الله جنتی:در زمینهء توسعه فرهنگی به ویژه در بعد امور دینی و اخلاقی بسیار کم کار شده است.اگر بودجه‏های مصرف شده در دو بعد اقتصادی و فرهنگی‏ مقایسه شود واقعا وحشت‏آور و تأسف انگیز است،ولی‏ در نظام جمهوری اسلامی و تحت نظر ولایت فقیه‏ عادل می‏توان آنها را متعادل کرد.البته کیفیت کار احتیاج به تحقیقات کارشناسانه دارد؛باید از عناصر فرهنگی-دینی،متعهد،مجرب،مبتکر و آشنا با مسائل کنونی داخل و خارج از حوزه و دانشگاه و مراکز و تشکیلات متنوع مربوط و به طور خلاصه همهء کسانی که به نوعی می‏توانند نقشی در ایجاد حرکت‏ سازندگی معنوی داشته باشند،دعوت شود،و از آنان‏ خواسته شود بررسی و تحقیق کنند و نتیجه را در مدت‏ محدودی ارائه دهند و سازمانی مرتبط به مقام ولایت‏ جهت سامان بخشیدن و هدایت و مدیریت طرح با اعتبارات و حمایتهای لازم و قدرت اجرایی کافی‏ تشکیل شود.

\*دکتر احمدی:جامعه در عصر کنونی محصور در مرزهای بسته‏ نیست.باید دید چگونه می‏توان‏ جامعه را در برابر هجوم بیگانه بیمه‏ کرد یا اثرپذیری آن را کاهش داد.

\*دکتر داوری:کار فرهنگ،وقتی‏ سامان می‏یابد که فرهنگ را دوست‏ بداریم و با آن انس پیدا کنیم،نه‏ اینکه از آن به عنوان وسیله‏ای برای‏ رسیدن به مقاصد دیگر استفاده‏ کنیم.

دکتر داوری:برنامه ریزی در امور مادی و اقتصادی‏ آسانتر و مؤثرتر و کارسازتر است،هر چند که اگر فرهنگ،نشاط نداشته باشد برنامه‏ریزی اجتماعی و اقتصادی هم با دشواری مواجه می‏شود و به جایی‏ نمی‏رسد.من نمی‏گویم که برای توسعهء فرهنگی یا برای هیچ شأنی از شؤون فرهنگ نمی‏توان برنامه‏ریزی‏ کرد،اما فرهنگ بی‏مدد تفکر،توسعه و گسترش‏ نمی‏یابد.در شرایط کنونی گونه‏ای ملازمت میان‏ توسعه اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی وجود دارد ولی‏ اینها در عرض هم نیستند و اثر و اهمیت مساوی‏ ندارند.تفکر که می‏آید توسعه اقتصادی هم حاصل‏ می‏شود،اما توسعه اقتصادی بدون تفکر و فرهنگ پدید نمی‏آید.هر چند که در عصر ما توسعه اقتصادی از جمله نشانه‏های رشد فرهنگ است.

دکتر احمدی:من معتقدم همهء اجزای جامعه در

ارتباط تنگاتنگ با یکدیگر قرار دارند.مسائل اقتصادی‏ به طبع در نوع و نگرش فرهنگی افراد جامعه تأثیر می‏گذارند.هر قدر توازن اقتصادی در جامعه بیشتر باشد مسائل فرهنگی جا افتاده‏تر،ثابت‏تر و راسخ‏تر است.و به عکس هر اندازه میزان این توازن مختل‏ شود،وضع فرهنگی جامعه نیز دچار اختلال می‏شود و در نتیجه آسیب‏پذیرتر است.اما اگر عدالت اجتماعی‏ تحقق پذیرد،اصلاحات فرهنگی نیز سریع‏تر و آسان‏تر صورت می‏گیرد.

به نظر می‏رسد در مقوله فرهنگ‏ نوعی تسامح و تساهل و حتی وادادگی در جامعه‏ مشاهده می‏شود.چه تدابیری برای این مسأله باید اندیشید؟

آیت الله جنتی:دقیقا همین طور است و دلایل‏ زیادی دارد.قسمتی مربوط به ضعف فرهنگ دینی و بها دادن بیش از حد به امور مادی و اقتصادی است در حالی که زیربنای تمدن اسلامی،ایمان،عقیده، معنویت و اخلاق است.باید گروهی واجد شرایط لازم‏ برای رسیدگی به این امر مهم و زیربنایی تشکیل شود و با تلاش جهادگرانه برنامه‏های دراز مدتی برای‏ دورانهای کودکی،دانش آموزی و دانشگاهی تدوین‏ نمایند.

دکتر داوری:شاید مقصودتان از وادادگی،وادادگی‏ در صحنه علایق سیاسی است.من این را قبول دارم‏ که نوعی سردی و بی‏علاقگی در جامعه ما پدید آمده و هر کس به فکر کار خویش است و این را نشانه خوبی‏ نمی‏دانم.اما در شعر و ادب نشانه‏هایی امیدبخش هم‏ پدیدار است.یک اشکال بزرگ این است که در فلسفه و علوم انسانی هنوز کار چندان مهمی انجام نگرفته است‏ و شاید به همین جهت تحلیل وضعی که در آن به سر می‏بریم برایمان دشوار باشد.

دکتر احمدی:با گسترش ارتباطات در عصر کنونی جامعه دیگر محصور در مرزهای بسته نیست.

حال چگونه می‏توانیم جامعهءمان را در برابر هجوم‏ بیگانه بیمه کنیم و یا اثرپذیری آن را کمتر کنیم باید در زمینه‏های فرهنگی و باورهای دینی بیشتر کار کرد.

باید مقابله با هجوم فرهنگی را از خانواده شروع کرد و باید بگویم به عقیدهء بنده تسامح و یا تساهل از جانب‏ مسؤولین نبوده است.آنها در زمینه ارتقای فرهنگ‏ اسلامی تلاش زیادی کرده‏اند.

گویا نتیجهء بسیاری از فعالیتهای‏ فرهنگی در جامعه موفقیت‏آمیز نبوده.برای این‏ مسأله چه تدابیری باید اندیشید؟

دکتر گلشنی:دلیل این مطلب دو چیز است:اول‏ اینکه ما بیشتر اوقات به جای علتها به معلولها پرداخته‏ایم.در حالی که ابتدا باید علل اصلی مشکلات‏ فرهنگی را جست و سپس دنبال راه حل آنها رفت.باید اولویتها را تشخیص داد.و دوم اینکه تاکنون بر اجرای قوانین نظارت جدی نداشته‏ایم بنابراین عملا اقدامات‏ اولیه بی‏نتیجه مانده است.ما جدا در این مورد قصور کرده‏ایم(اگر مسامحتا نگویم که مقصر بوده‏ایم).

به نظر بنده برای حل این مشکل باید اولا اولویتهای‏ فرهنگی را مشخص کرد و راههای تحقق آنها را با بررسی کامل یافت و ثانیا باید نظارتی جدی بر مصوبات‏ باشد.اصولا خود مجریان هرگز نمی‏توانند ناظران‏ خوبی برای کار خودشان باشند.همواره باید یک مرجع‏ بالاتر بی‏طرف،روی اعمال مجریان نظارت داشته‏ باشد.و واقعا مؤاخذه کند تا اینقدر ناظر تخلفات‏ وحشتناک نباشیم.

دکتر داوری:اگر بعضی اقدامات فرهنگی به قول‏ شما موفقیت‏آمیز نبوده است از آن روست که گاهی‏ می‏خواهیم با تدابیر عقل جزئی و فهم همگانی مسائلی‏ را که در حد عقل جزئی نمی‏گنجد،حل کنیم.این‏ تلقی،تلقی درستی نیست و اگر اثر و نتیجه‏ای داشته‏ باشد،این است که فرهنگ تابع سلیقه‏ها می‏شود و عالی تحت حکومت دانی قرار می‏گیرد.کار فرهنگ‏ وقتی سامان می‏یابد که فرهنگ را دوست بداریم و با آن‏ انس پیدا کنیم،نه اینکه از آن به عنوان وسیله‏ای برای‏ رسیدن به مقاصد دیگر استفاده کنیم.

بزرگترین خطری که از ناحیه‏ فرهنگ،انقلاب اسلامی را تهدید می‏کند چیست؟

دکتر گلشنی:رسیدن به اهداف فرهنگی مهمترین‏ هدف انقلاب اسلامی ایران است،پس اگر فرهنگی‏ فرهنگ انقلاب را تهدید کند،خطری جدی برای‏ انقلاب به شمار می‏آید.اکنون فرهنگهای مهاجم‏ بیگانه می‏کوشند اعتقاد مردم ما را به مبانی اسلامی‏ سست کنند.رسانه‏های عمومی غرب و سخنگویان‏ وطنی آنها این اندیشه را القاء می‏کنند که راه ورود ما به دنیای جدید غرب،تبعیت بی‏چون و چرا از فرهنگ‏ غرب و پذیرش متافیزیک علم و تکنولوژی جدید است. بدیهی است پذیرش این فرهنگ چیزی جز وداع با مبانی فرهنگ دینی نیست.

دکتر داوری:ظاهرا خطرهایی از بیرون انقلاب را تهدید می‏کند.قدرتهای سیاسی با ما سر موافقت‏ ندارند و بعضی از آنها قدرتها آشکارا با ما در جنگند.

هوای عالم غرب هم برای رشد نهال انقلاب مساعد نیست و موجهای قوی و شدید تبلیغات آن هوا را در همه جای عالم پراکنده کرده است و می‏کند.با خطر سیاسی از طریق سیاست و با اقدامات و تدابیر سیاسی‏ می‏توان مقابله کرد اما هوایی که می‏آید و در جانها اثر می‏کند و روح را مسخر می‏سازد مانعی که جلوی این‏ هوا را می‏گیرد دیوار و حصار حصین عالم دینی و تفکر معنوی و قدسی است.اگر مردمان در عالم دین و در هوای قدسی تنفس کنند باد غرب آنها را به این سو و آن سو نخواهد برد،اما اگر ارکان عالم دینی سست‏ باشد و پراکندگی و تفرقه در آن پدید آید و در حصن‏ حصین خلل وارد شود هوای غرب جز عباد مخلصون‏ همه را با خود موافق می‏سازد.همت ما باید صرف‏ تجدید عهد اسلامی و استوار کردن بنای عالم دینی‏ باشد این تصور که صرف وجود بعضی اشخاص مایه‏ خرابی کارها می‏شود-گرچه همواره نادرست نیست- اگر تمام فکر و ذهن را مشغول کند،چه بسا که خطر عمده را از نظرها بپوشاند و مایه غفلت از مسائل اصلی‏ شود؛خطر در همین جا پیش روی ماست و از همین‏ جا باید با آن مقابله کنیم.

آیت الله جنتی:گرایش به فرهنگ غربی و غفلت از فرهنگ اصیل اسلامی و امور تربیتی به معنای صحیح‏ آن بزرگترین خطری است که انقلاب را تهدید می‏کند. و برای مقابله با آن باید اقدام اساسی کرد.

در راه مبارزه با هجوم فرهنگی،اعتلا و ارتقای فرهنگ بومی را تا چه حد مفید و ضروری‏ می‏دانید؟

دکتر گلشنی:هم اکنون چیزی که نظر بسیاری از هموطنان ما را به خود جلب کرده زرق و برق علم و تکنولوژی غرب است.برای مبارزه با این هجوم‏ فرهنگی باید نشان داد که راه پیشرفت و رسیدن به علم‏ و تکنولوژی تنها تبعیت از غرب نیست و این را با فرهنگ بومی(اسلامی-ایرانی)هم می‏توان تأمین‏ کرد،کما اینکه جهان اسلام در چند قرن اولیه هجری‏ پرچمدار علم روز بود و عالمان فاضل و متدین مسلمان‏ آن دوران عملا علم و دین را با هم جمع کرده بودند، پس دین نه تنها مانع رشد نیست بلکه خود بهترین‏ مشوق تفکر در طبیعت و تسخیر قوای طبیعی است.

اتکاء به فرهنگ اسلامی بیش از پیش ما را به خود متکی می‏کند و از تبعیت و دنباله روی بیگانگان بر حذر می‏دارد.به نظر بنده مهمترین عامل مبارزه با هجوم‏ فرهنگی تکیه بر فرهنگ اسلامی است که«الاسلام‏ یعلو ولا یعلی علیه»را القاء می‏کند و ما را از پذیرش‏ سلطه بیگانگان و فرهنگ آنها بر حذر می‏دارد.

دکتر فاضل:هجوم فرهنگی و یا نفوذ فرهنگ بیگانه‏ در یک جامعه وقتی به آسانی امکان‏پذیر است که آن‏ جامعه با خلأ فرهنگی رو به رو باشد.یعنی باورها و اندیشه‏ها و اعتقادات سست و یا بلا تکلیف باشند.

گاهی در مورد فرهنگ طوری صحبت می‏کنیم که‏ گویی فرهنگ نوعی لباس است و می‏شود آن را به‏ راحتی درآورد و به جای آن لباس دیگری پوشید.

فرهنگ سلسله باورهایی است که ریشه در عمیق‏ترین و کهن‏ترین اعتقادات و عادات و سنتها و روشهای مردم‏ دارد.جایگزین کردن آن با باورهای متفاوت و یا نو نیاز به کاری عظیم و سترگ دارد.ابتدا باید مردم را با اعتقادات آشنا و کهن و میراث فرهنگی خودشان بیگانه‏ و ناآشنا و ناخوشدل کرد و سپس نهال جدید را در ذهن و فکرشان کاشت.اگر ما جامعه‏ای محکم و استوار داشته باشیم و به اصول اعتقادی خودمان‏ استحکام ببخشیم و در سایه آن اصول هر فرد درستکاری احساس امنییت کامل کند و با احساسی گرم و لذتبخش و مملو از امید زندگی کند،کمتر آسیب‏پذیر خواهیم بود.

دکتر احمدی:باید اشاره کنم تنها کشورهای شرقی‏ و اسلامی با هجوم فرهنگی مواجه نیستند.حتی کشور فرانسه نیز از نفوذ سیستم‏های ماهواره‏ای آمریکا و آثار مخرب آن گله‏مند است.بنابراین توجه به حفظ و پرورش و اعتلای فرهنگ خودی،و تقویت باورهای‏ مذهبی و دینی یکی از راههای مقابله با هجوم فرهنگی‏ است.

آیت الله جنتی:ابتدا باید معایب فرهنگ در حال‏ سقوط و متلاشی غرب را مجسم کرد.این کار چندان‏ مشکل نیست،زیرا روز به روز عواقب شوم آن فرهنگ‏ برای خود غربیان نیز در حال بروز و ظهور است،سپس‏ فرهنگ قرآن را باید به درستی شناخت و به کار بست، فرهنگ بومی تا آنجا که با فرهنگ الهی مغایر نباشد منعی ندارد ولی بومی بودن خود یک اصل و یک هدف‏ نیست،باید نتایج را در نظر گرفت.

\*آیت الله جنتی:گرایش به‏ فرهنگ غربی و غفلت از فرهنگ‏ اصیل اسلامی و امور تربیتی به‏ معنای صحیح آن بزرگترین خطر برای انقلاب است و باید با آن مقابله‏ اساسی شود.

\*دکتر گلشنی:برای مبارزه با هجوم غرب باید نشان داد که راه‏ پیشرفت و رسیدن به علم و تکنولوژی،تنها تبعیت از غرب‏ نیست و با فرهنگ بومی هم‏ می‏توان به آن رسید.

دانشگاههای ما تا چه حد به«اسلامی‏ شدن»نزدیک شده و اصول کلی که باید بر مدار آنها،دانشگاه اسلامی را بنا کرد چیست؟

آیت الله جنتی:در دانشگاهها کارهای درست و درمانی صورت نگرفته است،حرکت اخیر هم هنوز در آغاز راه است ولی با ادامه رهنمودها و نظارتهای مقام‏ معظم رهبری و پیگیری عناصر معتقد به ضرورت‏ اسلامی کردن دانشگاهها و آشنایی با راهکارها می‏توان به آینده امیدوار بود.

دکتر گلشنی:دانشگاههای ما پیش از انقلاب‏ اسلامی نه ظاهر اسلامی داشت و نه باطن اسلامی؛نه‏ تفکر اسلامی بر آنها حاکم بود و نه ارزشهای اسلامی.

پس از انقلاب اسلامی تا حدی دانشگاه چهره اسلامی‏ به خود گرفت ولی متأسفانه هنوز بینش اسلامی بر

افکار دانشگاهیان حاکم نشده است.این امر چند دلیل‏ دارد.اولا از آنجا که اعضای هیأت علمی دانشگاهها اغلب در محیطهای سکولار تربیت شده بودند،انتظار حاکمیت تفکر اسلامی بر اندیشه آنها خواسته‏ای‏ نابجاست.ترکیب هیأت علمی بعد از انقلاب تا حدی‏ تغییر کرده اما بینش حاکم همچنان مانند گذشته‏ است.

دوم اینکه اقدامات اساسی فرهنگی برای تغییر بینش دانشگاهیان انجام نگرفته و اقدامات انجام شده‏ بیشتر جنبهء صوری داشته است تا محتوایی.

و نکته سوم اینکه مدیریت دانشگاهها و دانشکده‏ها و محیطهای فرهنگی آنقدر که لازم بوده به حاکمیت‏ بینش اسلامی حساسیت نداشته‏اند و در مواردی حتی‏ با آن در ستیز بوده‏اند.

و اما برای رفع این مسائل باید اقداماتی انجام شود: در کوتاه مدت باید اولا درباره مدیریت دانشگاهها و دانشکده‏ها حساسیت بیشتری به خرج داد.ثانیا نظارتی دقیق بر فعالیتهایی که در دانشگاهها صورت‏ می‏گیرد-خصوصا در مورد فعالیت مدیران فرهنگی- اعمال شود.

در دراز مدت باید یک رشته اقدامات فرهنگی‏ اساسی برای تغییر بینش دانشجویان و استادان و کارمندان صورت گیرد و این کار از طریق گذاشتن‏ سمینارها،کلاسها،کتب و مجلات مناسب میسر است‏ نه از طریق اعمال فشار.متأسفانه در این حوزه فعالیت‏ اساسی بسیار ناچیز بوده است و این درست حوزه‏ای‏ است که بیشترین آسیب را از هجوم فرهنگی دیده‏ است.

دکتر داوری:دانشگاه دنباله دبیرستان است و آن را نباید مانند یک جزیره در جامعه و در میان سازمانهای‏ دیگر دانست.در دانشگاه رعایت شؤون اسلامی کمتر از دیگر سازمانهای دولتی نیست،منتهی چون دانشگاه‏ اهمیتی خاص دارد به اسلامی شدن آن بیشتر توجه‏ می‏کنند.در اینجا نکته مهم این است که دانشگاه‏ اسلامی به صرف گزینش،اسلامی نمی‏شود؛دانشگاه‏ مرکز آموزش و پژوهش است؛آموزش و پژوهش بدون‏ تعلق هم کار بی‏حاصلی است.غرب با تعلق به آموزش و پژوهش پرداخته و در این راه موفقیت‏هایی بزرگ به‏ دست آورده است.اگر ما بتوانیم آموزش و پژوهش را با تعلق دینی و اسلامی پیش ببریم در آن صورت راه‏ اسلامی کردن دانشگاه هموار می‏شود اما توجه کنیم‏ که اسلامی کردن دانشگاه موقوف و موکول به طرح‏ اسلامی شدن کل جامعه است یعنی باید روح دینی در جامعه جریان پیدا کند.اگر نسیم معرفت جانها را بنوازد و جان در خدمت دین قرار گیرد،طرح اسلامی‏ شدن بی‏زحمت و بدون تکلف اجرا می‏شود.

دکتر فاضل:دانشگاه ما به همان اندازه به«اسلامی‏ شدن»نزدیک شده است که دیگر نهادهای جامعه باید اعتراف کنم شاید به دلیل کمی اطلاع و دانش‏ هیچ وقت در ذهن و فکر بنده روشن نشده است که‏ چگونه می‏توان دانشگاه را بدون توجه به کل جامعه و فارغ از آن«اسلامی‏تر»کرد.اگر کودک در خانواده‏ای‏ معتقد و مسلمان پا به عرصه وجود گذاشت و اولین‏ اصول اعتقادی خود را از پدر و مادری درستکار آموخت‏ و در دبستان و دبیرستان آموخته‏ها و پایه‏های اعتقادی‏ او محکم‏تر شد همچون جوانی معتقد و ساخته شده‏ وارد دانشگاه خواهد شد و با حضور افرادی معتقد و سالم دیگر نیازی نیست که ما دانشگاه را اسلامی‏ کنیم.زیرا خود به خود مانند دیگر بخشهای جامعه‏ اسلامی است.زمانی که بنده مسؤولیت وزارت فرهنگ‏ و آموزش عالی را بر عهده داشتم و برای گرفتن رهنمود و دستور در همین باره خدمت حضرت امام(ره)رسیدم، ایشان فرمودند:بیست سال طول می‏کشد تا دانشگاههای ما اسلامی شوند.یعنی بیست سال طول‏ می‏کشد تا جوانانی پا به عرصهء دانشگاه بگذارند که در دامان حکومت اسلامی متولد و بزرگ شده و پرورش‏ یافته‏اند و با حضور این نسل جدید و معتقد است که‏ دانشگاه،اسلامی می‏شود.اما در این باره که چه‏ اقداماتی در این زمینه باید انجام شود،بنده معتقدم‏ هیچ گونه کوتاهی‏ای نشده است.در دانشگاه سه‏ عنصر مؤثر وجود دارد.دانشجو،استاد و کتاب.در مورد دانشجویان با اعمال گزینش‏ها(صرفنظر از آثار و پیامدهای مطلوب و یا نامطلوب آن)و سهمیه‏های‏ مختلف و تسهیلات برای رزمندگان و قشرهایی که به‏ طبع باید از اصول اعتقادی محکم‏تری برخوردار باشند در حد ممکن برنامه‏ریزی انجام شده است.

درباره استادان هم افزون بر تصفیه‏های اوایل‏ انقلاب،به منظور پرورش استادان معتقد و انقلابی‏ دانشگاه تربیت مدرس ایجاد شده است و اما در زمینه‏ کتابهای درسی هم آنچه در توان علمی مملکت بوده‏ است انجام شده است.بنابراین باز هم تکرار می‏کنم که‏ اسلامی شدن دانشگاهها تابعی از اسلامی شدن کل‏ جامعه است و زمانی ما دانشگاههای اسلامی خواهیم‏ داشت که جامعه‏ای اسلامی داشته باشیم.

مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای‏ شورای عالی انقلاب فرهنگی از آنها خواستند اولویتهای فرهنگی کشور را مشخص کنند.این‏ اولویتها از دیدگاه شما چیست؟

دکتر داوری:چنان که فرمودید مقام معظم رهبری‏ تعیین اولویتها را به عهده شورای عالی گذاشته‏اند.

من فکر می‏کنم بهتر است فعلا چیزی نگویم تا ببینیم‏ نتیجه بحثهای شورای عالی چه می‏شود.

دکتر فاضل:پاسخ این پرسش بسیار دشوار است، ولی به نظر بنده وضع جامعه و به ویژه مسایل فرهنگی‏ آن بی‏شباهت به یک باغچه گل نیست.طراوت و شادابی و زیبایی این باغچه نیاز به زحمت مستمر و پیگیری دلسوزانه باغبانی کار آمد و آشنا به نیازهای‏ گلها دارد.حتی یک غفلت چند روزه سبب می‏شود که‏

\*دکتر فاضل:هجوم فرهنگی در یک جامعه وقتی به آسانی امکانپذیر است که آن جامعه با خلأ فرهنگی رو به رو باشد؛یعنی باورها و اندیشه‏ها و اعتقادات سست و بلا تکلیف‏ باشند.

علفهای هرزه به سرعت رشد کنند و جا را برای گلها تنگ نموده و در زمانی نه چندان طولانی تمام باغچه را فرا گرفته و گلها را در بین خود از بین ببرند.

مسؤولین مملکت ما به دلیل مشکلات عظیم پس از انقلاب-که تمام شؤون مملکت را در بر می‏گرفت-و اضافه شدن مشکلات عظیم‏تر جنگ ویرانگر هشت‏ ساله با چنان گستره وسیعی از مسائل و معضلات‏ اجتماعی رو به رو بوده‏اند که سامان دادن به آن(که‏ خود به طور غیر مستقیم نقش مهمی در سامان‏ فرهنگی اجتماعی نیز دارد)تمام وقت و تلاششان را به‏ خود مشغول داشته است.ولی به نظر می‏رسد که‏ حداقل هم اکنون رسیدن به مسائل فرهنگی از اولویت‏ برخوردار باشد.

اولین گام،آشنا کردن مردم به رعایت قانون است.در جوامع پیشرفته کلمه«قانون»از ابهت و وزن بسیاری‏ برخوردار است.و افراد در اجرای امری قانونی تردید به‏ خود راه نمی‏دهند و حتی تصور قانون شکنی هم به‏ ذهنشان خطور نمی‏کند.در چنین جامعه‏ای هر کس‏ می‏داند که اگر خطاکار نبود قانونی محکم پشتیبان‏ اوست و در موقع ضرورت از او حمایت خواهد کرد.

همین امر سبب به وجود آمدن نظم اجتماعی و در سایه‏ آن امنیت و آسایش فردی می‏شود ما در اجتماع‏ خودمان شاهد آشفتگیهای بسیاری هستیم که به دلیل‏ زیر پا گذاشتن قانون دامنگیر شده است.اولین عارضه‏ وخیم بی‏حرمتی و بی‏اعتباری قانون آن است که هر فردی به ناچار باید راههایی را انتخاب کند که از مسیری غیر عادی او را به هدف برساند و این پدیده روز به روز گسترش می‏یابد.

من بر این باورم که اولین و مهمترین اولویت‏ ریشه‏یابی این مسأله است.دلایل چندی برای این‏ بیماری اجتماعی وجود دارد که باید شناسایی شده و با مطالعه از راه صحیح درمان شود.وقتی اجتماع نظم‏ پیدا کرد.وقتی قانون و اجرای آن از طرف خرد و کلان‏ محترم شمرده شد،جامعه آرام می‏گیرد،افراد به آنچه‏ دارند دلگرم می‏شوند و وابستگی‏شان افزایش می‏یابد و در چنین جامعه‏ای شرایط برای اقدامات فرهنگی‏ آماده‏تر بوده و مردم پذیراتر خواهند بود.

مهم‏ترین مسائل جوانان به عنوان‏ محور بسیاری از تصمیم‏گیریهای فرهنگی‏ چیست؟

دکتر احمدی:اینکه جوانان مهم‏ترین رکن یک‏ جامعه هستند و صلاح و فساد هر جامعه به صلاح و فساد جوانان آن جامعه بستگی دارد امری واضح و روشن است.امام راحل(ره)و مقام معظم رهبری نیز بارها به این مورد اشاره کرده‏اند.شورای عالی انقلاب‏ فرهنگی نیز این اهمیت را دریافته است.و بر این‏ اساس شورای جوانان زیر نظر ریاست جمهوری تشکیل شده و منشوری نیز که در برگیرندهء ابعاد مختلف زندگی‏ جوانان باشد،تدوین شده است و چنانچه مفاد این‏ منشور اجرا شود کار بسیار بزرگی صورت پذیرفته است.

دکتر داوری:برای اینکه بدانیم مهمترین مسائل‏ جوانان چیست باید معنی جوان و جوانی معلوم باشد.

اگر دوره جوانی سالیانی از عمر آدمی(مثلا از 18 سالگی تا 28 سالگی)باشد جوانی به صرف بعضی آثار و عوارض زیستی و روان شناسی تحویل می‏شود(گر چه‏ زیست شناسی و روان شناسی آدمی نیز از وضع عالمی‏ که در آن به سر می‏برد مستقل و آزاد نیست)البته‏ اوضاع و استعدادهای جسمی و نفسانی را نمی‏توان‏ ناچیز و بی‏اهمیت انگاشت اما اگر برای نمونه یکی از مسائل جوانان ازدواج باشد ازدواج یک امر اخلاقی و دینی است در زمان ما ازدواج به یک امر حقوقی و عرفی یا عقد رسمی مبدل شده و به این جهت کوشش‏ می‏شود که برای حفظ پیوند خانوادگی شرایط سنگین‏ و تکلفات و دشواریهای بسیار در قراردادهای زناشویی‏ بگنجانند و البته که اثر این پیوند و تکلفات و سختگیریها تقریبا هیچ است زیرا پیوندی که ضامن‏ حفظ آن مثلا بیم از پرداخت جریمه باشد،پیوند سست‏ و بی‏بنیادی است.مسائل تحصیل و اشتغال هم ربط مستقیم به زیست‏شناسی و روان شناسی ندارد جوانی‏ زمان قرار گرفتن آدمی در برابر آینده است کودک و نوجوان تحت ولایت خانواده زندگی می‏کنند و بعضی‏ طغیانها که در دوره نوجوانی واقع می‏شود،لازمه عبور از یک مرحله زندگی به مرحله دیگر است.بنابراین من‏ فکر می‏کنم اگر جامعه‏ای رو به آینده داشته باشد هر طرحی در می‏اندازد و هر اقدام و عملی که می‏کند کم‏ و بیش با وضع و حال جوانان مناسب است مسلما پیران‏ و جوانان و زنان و کودکان و معلمان و کارگران و کارمندان و نظامیان و دانشگاهیان و...مسائل خاصی‏ دارند و می‏توان در مورد هر گروهی تدابیر خاص‏ اندیشید.اما این تدبیرها باید جزئی از یک طرح‏ اجرایی کلی باشد.من به مسائل خاص جوانان‏ نپرداختم زیرا فکر می‏کنم که وقتی ملتی با استقامت و استواری در راه آینده قرار می‏گیرد همه چیز آن برای‏ جوانان است و راه نیز با قدم همت و نیروی شوق و نشاط جوانان پیموده می‏شود حتی مسائل اعتیاد و روییدن علفهای هرز به صورت گروههای نیست انگار در یک طرح کلی-و نه با تشخیص‏ها و دریافتهای‏ موضعی و جزئی-حل می‏شود.

دکتر فاضل:مسائل جوانان و مهمترین این مسائل‏ چیزی نیست که کسی از آنها آگاه نباشد و نیاز به ذکر و بحث داشته باشد.به نظر بنده مهمترین مسأله برای‏ جوانان آن است که به زندگی خود امیدوار باشند و در شرایطی به سر برند که بتوانند هدف مشخص داشته‏ باشند و امید به آنکه با تلاش و کوشش به این هدف‏ دسترسی پیدا کند.سرگردانی و زندگی بی‏هدف و خالی از امید بزرگترین آفت خانمانسوز زندگی نسل‏ جوان یک کشور و زمینهء مساعدی برای نفوذ و هجوم‏

\*دکتر گلشنی:مهمترین عامل‏ مبارزه با هجوم فرهنگی تکیه بر فرهنگ اسلامی است.

فرهنگ بیگانه است که ما پیوسته از آن بیم داریم.در ایجاد زمینهء تحصیلات عالی شاید ما افراط هم کرده‏ باشیم ولی امید است که نظام جدید آموزش و پرورش‏ با تکیه بر پرورش کارآیی و مهارتهای دانش آموزان بتواند پشتوانه‏ای برای تأمین آینده جوانان و تربیت نیروی‏ انسانی لازم برای مملکت باشد.و نباید هرگز فراموش‏ کرد که جوانان با روحیه‏ای سالم و دست نخورده و کنجکاو و پر توقع به جامعه می‏نگرند و وجود ناهنجاریها نه فقط روحشان را به شدت مکدر می‏کند بلکه در شکل‏گیری شخصیت آینده آنها هم قطعا مؤثر است.

برای کارآمدتر شدن شورای عالی‏ انقلاب فرهنگی چه پیشنهادهایی در تغییر ساختار شورا دارید و تصمیمات شورا در چه صورت‏ ضمانت اجرایی قویتری پیدا می‏کند؟

دکتر گلشنی:برای کارآمدتر شدن باید شورای‏ عالی انقلاب فرهنگی خود را از مسائل دست دوم‏ خلاص کند و به مسائل مهم فرهنگی که کشور با آنها رو به روست بپردازد.تعداد مسائل بنیادی کم است‏ شورا باید خود را فقط به این مسائل مشغول کند و از درگیر شدن با مسائلی که سازمانها یا نهادهای دیگر هم توانایی انجام آنها را دارند،بپرهیزد.

به نظر بنده از جمله مهمترین مسائلی که‏ شورای عالی انقلاب فرهنگی با آنها رو به رو است‏ مواجهه با هجوم فرهنگی و مسأله اسلامی شدن‏ دانشگاههاست.شورا باید تحلیلی از تفکر حاکم بر جوامع فرهنگی کشور داشته باشد تا بتواند به مواجهه‏ با آن بپردازد.من شک دارم که الان تحلیل درستی از وضعیت فکری جامعه در دست شورا باشد و به همین‏ جهت برای این مسأله اولویت قائل هستم.اگر وضعیت‏ فکری حاکم بر دانشگاهها روشن می‏بود خیلی زودتر از این مسأله اسلامی کردن دانشگاهها در شورا مطرح‏ می‏شد.

به هر حال من معتقدم که لازم است شورا برای چند سال آینده روی سه چهار معضل اساسی فرهنگی دست‏ بگذارد و وقت خود را صرف حل آنها بکند.

برای اینکه تصمیمات شورا ضمانت اجرایی پیدا کند،یک نظارت جدی و قوی لازم است و هر چه شورا روی این مطلب سرمایه‏گذاری کند به هدر نرفته است.

دکتر احمدی:باید بگویم هر چند فعالیتهای‏ فرهنگی محسوس و ملموس نیست اما تأثیری عمیق و ژرف دارند.شورا باید توجه عمده‏اش به مسائل‏ فرهنگی باشد تا مسائل اجرایی.با توجه به اینکه‏ شورای انقلاب فرهنگی با همهء ارگانهای جامعه اعم از قانونگذاری و اجرایی مرتبط است و آنها موظف به‏ اجرای تصمیمات شورا هستند و در این راه ان‏شاء الله‏ توفیق پیدا خواهد کرد.